

## فاجعه نفوذِ آی اس آی در دانشگاه‌های افغانستان



صفحه ۶

مشاور ریاست اجرایی:  
انتخابات پارلمانی یک سال  
بعد برگزار می‌شود



روح الله بهزاد

مشاور فرهنگی ریاست اجرایی می‌گوید که انتخابات پارلمانی تا یک سال دیگر برگزار خواهد شد. سید آقا حسین فاضل سانچاکی، مشاور فرهنگی ریاست اجرایی، علت تأخیر در عملی کردن بسته پیشنهادی کمیسیون اصلاح انتخاباتی را، انتخاب اعضای کمیته گزینش و دقت بیشتر روی موارد پیشنهاد شده دانسته می‌گوید که در روزهای آینده، این کمیسیون می‌کانشیم روشنی را ارایه خواهد کرد. کمیسیون ویژه اصلاح نظام...

ادامه صفحه ۶

## اعتراض گسترده شهروندان غزنی به سر بردن هفت مسافر



۱۱ مسافر باقی‌مانده در جنگال طالبان شدند. آن‌ها که سربردن غیرنظامیان، به ویژه زنان و کودکان، را خلاف تمامی ارزش‌ها انسانی و اسلامی می‌خوانند، می‌گویند که طالبان با این کارشان، یکی از فجیع‌ترین جنایات‌ها در تاریخ افغانستان را مرتکب شده‌اند. شورای سراسری عالمان دینی غزنی نیز اعلام کرد که این کار خلاف تمامی ارزش‌های اسلامی است. قربان‌علی توسلی، یکی از عالمان دینی غزنی با انتقاد از سکوت حکومت در برابر این رویداد، خطاب به سران حکومت می‌گوید، مردمی که به تمامی ارزش‌های دولت‌داری باور دارند، نباید چنین مورد بی‌توجهی قرار بگیرند...

ادامه صفحه ۶

شهروندان غزنی در اعتراض به سر بریده شدن هفت مسافر در ولایت زابل می‌گویند که سکوت حکومت در قبال این رویداد، سهم‌گیری در جنایت تروریست است. هزاران شهروند غزنی روز سه‌شنبه در حالی که پیکرهای دو زن، یک کودک دختر و چهار مرد سربریده‌شده در زابل را بر دوش می‌کشیدند، تا در ساختمان این ولایت راهپیمایی کردند.

این راهپیمایان که شعارهای «مرگ به قاتلان و مرگ به طالبان» را سر می‌دادند، از حکومت وحدت ملی خواستند تا سکوتش را در برابر این‌گونه جنایات شکسته و به «کشتار هزاره‌ها» در افغانستان پایان دهد.

این معترضان هم‌چنان خواهان اعلام عزای عمومی و اختصاص دادن روزی در تقویم رسمی کشور به نام «مبارزه با اعمال تروریستی و گروگان‌گیری»، تأمین امنیت راه‌های ولسوالی‌های غزنی، افزایش تشکیلات نظامی و امکانات مالی نیروهای امنیتی در غزنی و آزادی

غنی در دیدار با نماینده ویژه چین برای افغانستان و پاکستان:

### صلح دو بُعد دارد: صلح با طالبان و صلح با پاکستان



اشرف غنی رئیس‌جمهور کشور با دینگ شیجون نماینده ویژه چین برای افغانستان و پاکستان در کاخ ریاست جمهوری دیدار و گفت‌وگو کرد.

در خبرنامه ریاست جمهوری آمده است: «آقای دینگ شیجون در این دیدار گفت که افغانستان یک شریک مهم برای چین است و به همین خاطر به صورت مشترک با این کشور تلاش می‌کنیم تا تروریسم را در منطقه از بین ببریم و در زمینه برقراری صلح پایدار و انکشاف اقتصادی افغانستان کار کنیم...»

ادامه صفحه ۶

### فعالان مدنی در کابل:

### بی‌تفاوتی به پرونده فرخنده و رخشانه

### قابل تحمل نیست



نماینده‌گان نهادهای مدنی و شماری از فعالان حقوق زن، از حکومت می‌خواهند تا هرچه زودتر عاملان سنگسار رخشانه را دستگیر کند. آن‌ها همچنین از عدم رسیدگی به پرونده فرخنده به شدت انتقاد می‌کنند. آن‌ها گفتند که در برابر بی‌پروایی به پرونده فرخنده و رخشانه بی‌تفاوت نخواهند نشست. حسین صافی رییس شبکه زنان، روز سه‌شنبه در گردهمایی نماینده‌گان جامعه مدنی گفت که هشت ماه از واقعه قتل فرخنده می‌گذرد، اما هنوز هم حکم نهایی پرونده وی صادر نشده است. به گفته بانو صافی، دادگاه عالی دلیل عدم صدور حکم نهایی را حجم بالای پرونده‌های این وزارت خوانده و می‌گوید که رسیده‌گی کامل به پرونده فرخنده بسیار زمانگیر است. بانو صافی بر این باور است که تأخیر در صدور حکم دادگاه عالی،

ادامه صفحه ۶

#### در برگ‌ها



دامی که آقای غنی برای خود پهن کرد!



تونس از استبداد تا اسلام‌گرایی مردم‌سالار



چند همسری یا تک همسری در اسلام



۱۸-۲۲ عقرب: روزهای سرنوشت‌ساز در تاریخ افغانستان

احمد عمران

# دامه که آقای غنی

## برای خودپهن کرد!



کشور سوگند یاد کرده است که صادقانه در خدمت میهن و مردمش خواهد بود و هرگز به آن‌ها دروغ نخواهد گفت. سوال این جاست که آیا رییس جمهوری یک کشور می‌تواند دروغ بگوید؟

در مورد دروغ گفتن به عنوان یک بحث اخلاقی، سخن‌ها و اظهارنظرهای زیادی شده است. بسیاری از فیلسوفان و دانشمندان عرصه‌های اخلاق و معرفت، گفتن دروغ را در هیچ زمانی تأیید نکرده‌اند. بسیاری‌ها حتا بر شیخ اجل سعدی خُرده گرفته‌اند آن‌جا که می‌گوید «دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز». در بحث‌های سیاسی اما موضوع پیچیده‌تر و حساس‌تر هم می‌شود. برخی نظریه‌پردازان باور دارند که عدالت روی دیگر سکه صداقت است و اگر کسی صادق نباشد، عادل هم نخواهد بود و به همین دلیل یکی از ویژه‌گی‌های زمامداران را صداقت‌شان می‌دانند. به گفته این اندیشمندان، زمامداری که با شهروندان کشور خود صادق نباشد، عدالت هم کرده نمی‌تواند.

حالا با این اوصاف، آقای غنی چه‌گونه می‌خواهد از دامی که خود برای خویش پهن کرده، نجات یابد؟ آیا می‌خواهد که زمامداری صادق باشد و یا این‌که برای نجات از یک اشتباه به اشتباه بزرگ‌تری که همانا دروغ‌گویی است، پناه می‌برد. آقای غنی باید تکلیفش را با وجدان خود و جامعه به‌درستی مشخص کند. امروز موضوع تنها بر سر رهایی یک محکوم نیست، بل بر سر این هم هست که یک رییس جمهور در پیشگاه خدا و مردمش چه‌گونه ظاهر می‌شود!

همه چیز را تحت نظر و مراقبت داشته و حتا از تغییر و تبدیلی در یک حوزه کوچک نیز بی‌خبر نگذاشته است. آقای غنی وقتی شب‌هنگام به امر یک حوزه پولیس زنگ می‌زند و مسایلی را از او جویا می‌شود، حالا چه‌گونه از یک پروژه کلان ساختمانی بی‌اطلاع بوده است؟ این جای پرسش دارد و بدون شک در عقب این مسأله، رازها و ناگفته‌هایی پنهان است که به مرور زمان باز خواهند شد.

از جانب دیگر، آقای غنی وقتی از محاکمه کسانی صحبت می‌کند که آقای فروزی را از بند رها کرده‌اند، می‌خواهد چه بگوید؟ زیرا اگر متهمانی در این قضیه وجود داشته باشند، چنان افراد شناخته شده و معلوم‌الحالی هستند که حتا نیاز به بررسی و شناسایی ندارند.

آقای فروزی را افراد گمنام و مجهول از زندان رها نکرده‌اند که آقای غنی به دنبال عوامل اصلی این قضیه باشد. آقای فروزی اگر واقعاً در زندان بوده باشد، بدون شک برای رهایی او نیاز به حکم رییس جمهوری بوده و اگر آقای غنی این موضوع را می‌خواهد انکار کند، بحث دیگری است.

سازوکارهای قضایی در همه کشورها مشخص و معلوم است و نمی‌توان با انکار از آن‌ها چشم پوشید و یا فکر کرد که می‌شود مردم را با چنین اظهاراتی فریب داد. آقای غنی به جای انکار، باید صادقانه به اشتباه بزرگ خود اعتراف می‌کرد و از مردم افغانستان، پوزش می‌خواست.

موضوع تنها بر سر رهایی یک مجرم نیست که از سوی دادگاه به ده سال زندان محکوم شده است، بل موضوع بر سر صداقت کسی است که سکان شهرباری را به دست گرفته و به عنوان رییس جمهوری این

موضوع شراکت خلیل فروزی یکی از مجرمان قضیه کابل بانک پیشین و دولت برای ساخت شهرک هوشمند، حالا پس از واکنش رییس‌جمهوری رنگ تازه‌یی به خود گرفته است. سخنگوی رییس‌جمهور در واکنش به نقش آقای فروزی در این پروژه می‌گوید که قضیه به‌شدت از سوی آقای غنی دنبال می‌شود و به‌زودی نتایج آن اعلام خواهد شد.

رییس‌جمهور غنی پس از این‌که موضوع شراکت آقای فروزی در پروژه ساخت شهرک هوشمند رسانه‌یی شد و موجی از انتقادهای سخت به‌راه افتاد، آن را لغو کرد و بعدتر دستور داد که این موضوع را نهادهای مربوط بررسی کنند. آقای غنی گفته است کسانی که آقای فروزی را از زندان رها و در یک پروژه اقتصادی شامل کرده‌اند، مجازات خواهد کرد. اما پرسش مهم و شگفت‌انگیز این جاست که چه‌گونه رییس‌جمهوری از چنین طرحی بی‌اطلاع بوده و کسانی تلاش کرده‌اند او را دور بزنند؟

در روزی که پروژه شهرک هوشمند گشایش می‌یافت، علاوه بر این‌که نزدیک‌ترین افراد به آقای غنی در این مراسم حضور داشتند، مشاور حقوقی ایشان با سخنرانی مفصل از آقای فروزی تشکر کرد و رهایی او را یک اقدام موثر برای پرداخت بدهی‌های کابل بانک پیشین عنوان کرد. آقای غنی چه‌گونه می‌تواند چنین موضوعی را انکار کند و حالا که در اطراف این مسأله بحث‌های حقوقی و قانونی شکل گرفته، خود را برائت دهد؟

در این‌که آقای غنی از این پروژه خبر داشته، هیچ جای شک و تردید وجود ندارد. آقای غنی از زمانی که به عنوان رییس‌جمهوری افغانستان سوگند خورده است، به‌شدت

## سخن ماندگار

### کابل بانک

### و بر خورد عجلانه ارگ

در رویداد کابل بانک از آغاز تا اکنون؛ سیاسی‌بازی، عجله و دوبینه‌گی وجود داشته است. دادگاه رسیدگی به بحران کابل بانک، در ماه حوت ۱۳۹۱ شیرخان فرزند و خلیل الله فیروزی رییس‌بانک کابل بانک را، هر کدام به پنج سال حبس محکوم کرد. این بانک در سال ۲۰۱۰ به دلیل اختلاس صدها میلیون دالر ورشکست شده بود. آن دادگاه همچنان خلیل الله فیروزی رییس هیأت عامل کابل بانک را به بازپرداخت نزدیک به ۵۳۱ میلیون دالر و شیرخان فرزند رییس هیأت مدیره کابل بانک را به بازپرداخت بیش از ۲۷۸ میلیون دالر محکوم کرده بود. اما به‌زودی دیده شد که در قضیه کابل بانک برخورد سیاسی صورت گرفته و در واقع این دو تن بخشی از متهمان قضیه کابل بانک بوده‌اند و متهمان دانه‌درشت‌تر اصلاً مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

اما آقای محمد اشرف غنی پس از رسیدن به قدرت، در آغازین روزهای کاری‌اش در ارگ، طی فرمانی خواستار بازگشایی پرونده فساد مالی کابل بانک شد و گفت که یگانه‌هدفش، حل و فصل سریع بحران کابل بانک و استرداد دارایی‌های کلاهبرداری شده این بانک است. در آن فرمان، ضرب‌الاجلی تعیین شده بود که طی ۳ روز عواملان فساد مالی کابل بانک بازداشت شوند؛ اما حدود ۲۰ روز بعد، فرماندهی پولیس کابل اعلام کرد که بازداشت سایر متهمان پرونده فساد مالی کابل بانک خارج از صلاحیت پولیس است. در آن زمان، خلیل الله فیروزی درباره حیف و میل سرمایه این بانک گفت که فقط «۹۶ میلیون دالر دارایی سهام‌داران این بانک توسط رییس‌جمهوری سابق افغانستان به سایر افراد بخشیده شده است». اما هیچ‌گاه به آن ادعاها توجه نشد.

مسلم است که برخورد آقای کرزی و آقای غنی با قضیه کابل بانک کاملاً سیاسی، عوام‌فریبانه و عجلانه بوده است. حالا با گذشت چهار سال از بازداشت فیروزی و فرزند، دیده می‌شود که هنوز هم مسأله کابل بانک به گونه درست بررسی نشده و بازم حرکت‌هایی که در این خصوص صورت می‌گیرند، سیاسی‌اند.

رهایی و سهم‌دار ساختن خلیل الله فیروزی در ساخت یک شهرک هوشمند و بعد از دو روز، بازداشت دوباره و مسترد کردن دارایی‌های او از طریق ریاست‌جمهوری نشان می‌دهد که پشت رویداد کابل بانک و محکومیت و رهایی فیروزی، نکته‌هایی دیگری نهفته است که این همه اقدامات ناسنجیده و عجلانه را در پی داشته است. ورنه ممکن نیست که یک روز ریاست‌جمهوری این مرد را از زندان رها کند و با او کار شریکی راه بیندازد و روز بعد دوباره او را بازداشت کند و حکم به استرداد دارایی‌های او بدهد.

به‌تازگی سخنگوی ریاست‌جمهوری گفته است که آقای رییس‌جمهور در جریان رهایی و سهم‌دار ساختن خلیل الله فیروزی در ساخت شهرک هوشمند نبوده است. اما این ادعا نمی‌تواند منطقی برای قبول داشته باشد؛ زیرا مشاور حقوقی رییس‌جمهور خود دلایل حقوقی رهایی فیروزی را به‌صراحت و جدیت مطرح کرده است. از این‌رو معلوم است که در قضیه کابل بانک از آغاز عجله، اشتباه و سیاسی‌بازی صورت گرفته است و تا اکنون هم ادامه دارد و هر روز آفتابی می‌شود و از اوج فساد و سیاه‌روزی از ارگ گرفته تا همه نهادها حکایت می‌کند.

بنابراین، برای آقای غنی خوب‌ترین است که اگر صداقتی در مورد مبارزه با فساد دارد، پرونده کابل بانک را یک بار دیگر مورد بازبینی قرار دهد و همه متهمان سقوط آن را بازداشت کند و نه یکی - دو نفر را. حتا کسانی که بر گرد او حلقه زده‌اند و عامل سقوط بزرگ‌ترین بانک خصوصی کشور بوده‌اند، باید بازداشت شوند!

# اشرف غنی

## در فاصله دو سال



روایت امروز من، تقریباً مصادف است با همین شب و روزها در دو سال قبل، یعنی شنبه ۲۳ عقرب ۱۳۹۲ اشرف غنی، در فاصله‌ی این دو سال، تصویری کاملاً متفاوت یافته است. چند روز قبل، یکی از سایت‌های خبری معتبر، با استناد به صفحه‌ی فیس‌بوکی ارگ ریاست جمهوری، اعلام کرد که اشرف غنی در طول یک هفته به طور متوسط ۱۵۰۰ فحش دریافت می‌کند. این خبرگزاری ادعا کرد که شواهدی دارد که تعداد زیادی از فحش‌هایی که در ذیل پست‌های این صفحه نوشته می‌شوند، از طرف مدیران صفحه پاک می‌شوند.

اشرف غنی اتهام سنگینی از برخوردهای قومی را بر خود حمل می‌کند. گفته می‌شود که ارگ و سیاست‌های ارگ‌نشینان، به طور بی‌سابقه‌ای پشتونی مدیریت می‌شود. در حادثه‌ی کندز، ساکنان ارگ به طور آشکار «ستون پنجم طالبان» یا «ستون پنجم آی‌اس‌آی» لقب گرفتند. پنج مقام ارشد امنیتی کشور بدون استثنا پشتون اند. اشرف غنی متهم است که ارگ و اداره‌ی امور و شورای امنیت ملی خود را به طور یک دست از پشتون‌های افراطی و متعصب پر کرده است. وی متهم است که با نگاه و تحلیل پشتونی، تمام پروژه‌های عمرانی و انکشافی و توسعه‌ی مدنی در کشور را متوقف نگه داشته است. می‌گویند اشرف غنی آنقدر بی‌سواد و بیگانه با اسلام و دین و تاریخ است که امام حسین را در روز عاشورا، «نواسه‌ی رسول خدا» خطاب می‌کند و یا آنقدر بی‌تعهد است که رسوایی مرگ فرخنده و رخشانه را نه کوچک‌ترین سوال بر هویت ریاست جمهوری خود حساب می‌کند و نه بر فردیتش به عنوان یک انسان مدنی این مُلک.

این همه حرف، فاصله‌ای را پر می‌کند که اشرف غنی در ظرف دو سال، طی کرده است. آیا او دو سال قبل هم چنین پندار و رفتاری را در خود نشان می‌داد؟ آیا او دو سال قبل هم تا این اندازه بی‌خار و بی‌خاصیت و سوال‌برانگیز بود؟

دو سال قبل، در همین شب و روزها، اشرف غنی در ابتدای راهش برای ورود در رقابت انتخابات ریاست جمهوری قرار داشت. افراد زیادی در کنارش بودند. افراد زیادی هم صف کشیده بودند تا در کنارش بایستند و در قدرتی که او مدیریت می‌کرد، سهیم شوند. من هم یکی از این

افراد بودم که فکر می‌کردم نزدیک‌ترین رابطه را با اشرف غنی دارم و شریک قسمت زیادی از حرف‌ها و برنامه‌های او هستم. آیا آن زمان اشرف غنی چیزی را پنهان می‌کرد که اکنون آفتابی شده است؟ آیا من چیزی را در او می‌دیدم که عامدانه از آن چشم‌پوشی می‌کردم؟ آیا واقعاً حس طمع و امیدی خاص، پرده‌ای بر درک و قضاوت‌های من انداخته بود که نمی‌توانستم واقعیت اشرف غنی را باور کنم؟

کم نیستند کسانی که اشرف غنی را دو سال قبل با همان نگاه و زبانی قضاوت می‌کردند که حالا قضاوت می‌کنند: «کپسولی از نفرت و خشونت و تعصب و توطیه». دقیقاً نمی‌دانم که این افراد از اشرف غنی چه برداشت داشتند و برداشت شان از کجا آب می‌خورد. اما روایت من فرد متفاوتی را نشان می‌دهد که دلیل خاصی برای بدبینی و نفرت از او نداشتم. برعکس، دلیل زیادی داشتم که باید از او حمایت می‌کردم و در همراهی با او به آینده‌ی بهتر سرزمین و نسل خود امیدوار می‌شدم.

من در ماه سنبله ۱۳۸۹، با حشمت غنی، برادر اشرف غنی، گفت‌وگویی داشتم در تلویزیون نور. اشرف غنی این گفت‌وگو را از اول تا آخر دیده بود و از آن به خوبی مطلع بود. وی نظر من در مورد خود و کارنامه‌ی انتخاباتی‌اش در سال ۱۳۸۸ را در کتاب «بگذار نفس بکشم» به دقت خوانده بود و از آن آگاهی داشت. او سابقه‌ی زندگی مرا می‌دانست و با فکر و نگاهم در رابطه با مسایل سیاسی و فرهنگی نیز آشنا بود. او از معرفت دیدار کرده بود و کارها و برنامه‌های مرا در یک شعاع گسترده‌تر نیز ارزیابی می‌کرد. بنابراین، دلیلی نداشتم که بگویم او در عالم ناآشنایی با من، یا من در عالم ناآشنایی با او، کنار هم ایستاده ایم و با هم دست داده ایم.

تصویری که در ماه عقرب ۱۳۹۲ از اشرف غنی داشتم، به حد کافی مرا در همراهی با او دلگرم می‌ساخت: می‌دیدم که هرگاه فردی را مستعد شنیدن می‌یافت، آرام و شمرده، افکارش را بیان می‌کرد. به تفصیل و سنجیده و دقیق حرف می‌زد. هرگاه سخنی می‌یافت که به تأمل نیاز داشت و فکر او را به حرکت می‌انداخت، دقیق و آرام گوش می‌کرد و از مداخله در وسط حرف و نظر مقابل به شدت اجتناب می‌کرد.

برخی از نشست‌های من با اشرف غنی از دو تا چهار ساعت دوام می‌کرد. او نه خسته می‌شد، نه بی‌حوصله. برای من هم حرف‌ها و سخنانش مهم و جدی بودند. دلیلی نداشتم که بگویم او از سر تعارف و یا تظاهر سخنی می‌گوید که فردا تلک گردنش شود.

در اغلب صحبت‌ها، اشرف غنی از من می‌خواست که حرف‌هایم را اول بگویم. می‌گفت: «تسلّسلی در حرف‌هایت است که می‌خواهم بشنوم. وقتی تمام شد، من حرفم را می‌گویم». من اغلب از روی یادداشت‌هایی که قبلاً آماده می‌کردم، نظریاتم را شرح می‌دادم و تا ختم نمی‌شد، اشرف غنی گوش می‌کرد و اغلب هم یادداشت‌برداری می‌کرد تا در پاسخ‌ها یا واکنش‌هایش آن‌ها را به یاد داشته باشد. به همین گونه، من هم موردی نداشتم که در وسط حرف‌ها و نظریات او مجبور شوم چیزی را بیرسم و یا امری را توضیح دهم. این نشست‌ها، از ماه جوزا تا عقرب ۱۳۹۲، چیزی بیش از شش ماه را احتوا می‌کرد.

اشرف غنی در تصویرهای عملی خود نیز کاستی‌ای را برای من نشان نداده بود: با من، در اولین نشست در ماه جوزای ۱۳۹۲، متعهد شد که بهبود رابطه‌ی اقوام، مخصوصاً هزاره‌ها و پشتون‌ها را در اولویت سیاست‌های خود داشته باشد. به صراحت پذیرفت که به معضل کوچی‌ها و رابطه‌ی آنان با هزاره‌ها نقطه‌ی پایان بگذارد. به همین دلیل، در اولین صحبتش با خلیلی، به صراحت گفت که مسأله‌ی کوچی را به عنوان مهم‌ترین مسأله در رابطه‌ی هزاره‌ها و پشتون‌ها به طور بنیادی و برای همیشه حل می‌کند. او خلیلی را در سیاست‌های هزاره، «مجتهد و مرجع تقلید» خود خطاب کرد و از او خواست که بگوید تا چه کار کند. این‌ها اگر تعارف هم بود، از مرجع قابل اعتنایی بود و برای من جدی محسوب می‌شد.

وقتی بحث رابطه با تاجیک‌ها مطرح شد، پذیرفت که با تمام شخصیت‌های محوری تاجیک‌تبار دیدار کند و نقطه‌نظراتش برای ساختن یک افغانستان باثبات را با آن‌ها در میان بگذارد. وقتی پای همراهی با جنرال دوستم به میان آمد، بعد از یک درنگ و دقت، وارد اقدام شد و در برابر هیچ فشاری از ناحیه‌ی روابط درون‌اجتماعی‌اش زانو خم نکرد.

به همین ترتیب، وقتی در قبال دعوتش به همراهی در انتخابات، خواستم که در صورت پیروزی، من ریاست دفترش را داشته باشم و پنج نفر دیگر از همراهانم که عبدال محمدی یکی از آنان بود، در کمیسیون‌های نهاد ریاست جمهوری به عنوان رییس و عضو پذیرفته شوند، بی‌درنگ و در حضورداشت تمام این همراهان، قبول کرد و متعهد شد که اعضای ارشد تیم انتخاباتی‌اش را نیز به صراحت در جریان بگذارد.

اشرف غنی نشان می‌داد که به مسایل سیاسی، برخلاف اکثر سیاستمداران افغانی، بیشتر از تعارفات شفاهی و غیر عملی، از منظر یک فرد اکادمیک نگاه می‌کند. او به هر مسأله به عنوان «موضوعی برای فکر کردن» توجه داشت و کوشش می‌کرد برای آن راه حل عملی و واقع‌بینانه بیابد.

### وزارت دفاع:

## وضع امنیتی تا یک ماه آینده بهتر می‌شود



وزارت دفاع ملی از برنامه‌های منسجم و اثرگذاری برای رویارویی با مخالفان مسلح دولت سخن زد و گفت که در دو تا سه هفته‌ی بعد امنیت در کشور بهبود خواهد یافت؛ این درحالی است که همه ساله با نزدیک شدن به فصل سرما طالبان عملیات‌های خود را کمتر می‌کنند.

دولت وزیری سخنگوی وزارت دفاع ملی اظهارداشت: «در ۲ یا سه هفته آینده وضعیت امنیتی در کشور تغییر خواهد کرد و ما برای بهار سال آینده برنامه‌های منظمی داریم و نیروهای تازه نفس وارد جنگ خواهند شد.»

بخش‌هایی از افغانستان در پایان فصل جنگ هنوز هم در شعله‌های نبرد می‌سوزند. بر بنیاد اطلاعات نهادهای امنیتی هم اکنون طالبان اداره‌ی هشت ولسوالی را بگونه‌ی کامل در کشور به دست دارند.

لسوالی‌های بغران و دیشو در هلمند، خاک افغان در زابل، ناوه در غزنی، غورماچ در فاریاب، قلعه زال و دشت ارچی در کندز و وردوج در بدخشان ولسوالی‌هایی هستند که حکومت در آنها تسلط ندارد.

عتیق الله امرخیل نظامی پیشین خاطرنشان کرد: «پاکسازی باید از کابل و اطراف آن شروع شود و به همین‌گونه تا به سرحد‌ها برسند؛ مقامات باید برای حفظ بخش‌های

### سفیر افغانستان در پاکستان:

## جامعه مدنی در بهبود روابط کابل - اسلام آباد نقش مهمی دارد



سفیر کابل در اسلام‌آباد گفت که مذاکرات غیرمستقیم میان پاکستان و افغانستان اقدام مثبتی است و در چارچوب آن دو طرف می‌توانند راهکارهایی برای حل مسائل و مشکلات دوجانبه پیدا کنند.

به گزارش خبرگزاری شبنهوا، جانان موسوی سفیر افغانستان در پاکستان اعلام کرد: زمانی که رهبران، مقام‌های دولتی و مردم افغانستان و پاکستان در یک

جا می‌نشینند و به طور صریح گفت‌وگو می‌کنند، می‌توانیم راهکارهایی پیدا کنیم و به راهبردهای مثبت و سازنده‌ای دست یابیم.

وی ادامه داد: از این طریق است که می‌توانیم به تصمیم‌های منحصراً به فردی برسیم که نتیجه آن بهبود روابط دو طرف خواهد بود.

تصفیه شده برنامه داشته باشند.»  
نیروهای دولتی از همان آغاز فصل جنگ تاکنون روزها و شب‌های پر مشغله‌ای داشته‌اند، هر چند کارکردهای این نیروها در سرکوب طالبان بارها ستوده شده است، اما چگونگی رهبری جنگ در بخش‌هایی از کشور انتقادهای زیادی را به بار آورده است.  
نثار حارس سناتور معتقد است: «عدم هماهنگی سبب شد که کندز سقوط کند، عدم هماهنگی سبب شده است که جنگ در مارجه هلمند به درازا کشانده شود. خواست ما از حکومت این است که هماهنگی را بگونه جدی در برنامه‌هایشان مدنظر بگیرد.»  
افزایش عملیات‌ها و جدی گرفتن تهدیدهای دشمن از برنامه‌های مهم امنیتی حکومت پنداشته می‌شود.  
هم اکنون تنها ارتش ۱۴ عملیات برنامه ریزی شده را در ۱۱ ولایت کشور به پیش می‌برد.  
وزارت دفاع ملی می‌پذیرد که در بخش راه کارها هنوز هم میان نیروهای دولتی هماهنگی وجود ندارد.  
آگاهان بر این باور هستند که حکومت وحدت ملی یک طرح روشن امنیتی ندارد و ادامه‌ی بی‌پروایی‌های حکومت در این باره افغانستان را با دشواری‌های زیادی روبرو خواهد کرد.

بخش نخست

# تونس از استبداد

# تا اسلام‌گرایی مردم‌سالار

محمدخان مدقق

درآمد

سخن گفتن از جنبش‌ها و نهضت‌ها و پرداختن به دلایل و علل شکل‌گیری آن‌ها، حرف تازه و متعلق به زمان ما نیست؛ بلکه پرداختن به یک امر بدیهی است که در تاریخ بشر ریشه دارد. زیرا در طول تاریخ، هر از گاهی، جنبش‌ها یا نهضت‌های گوناگون، اعم از نوع اصلاحی یا انقلابی دینی یا غیر دینی، در مواجهه با شرایط موجود یا به تعبیر فلسفی - سیاسی آنتی‌تز وضع موجود شکل گرفته‌اند. این جنبش‌ها با ایدئولوژی، هدف و منافع خاصی وارد نبرد اجتماعی شده‌اند و در راستای دستیابی به اهداف نهایی خود به پیش گام برداشته‌اند؛ یا به پیروزی قطعی دست یافته‌اند و یا هم در مسیر راه متوقف شده‌اند. این روند کماکان ادامه دارد و این "دیالکتیک ناتمام" تا "نفخ صور" ادامه خواهد یافت.

در سده‌های پسین، در جوامع شرقی - اسلامی نیز یک سلسله جنبش‌ها در واکنش به استعمار خارجی شکل گرفتند. این نهضت‌ها درست زمانی که کشورهای اروپایی به دلایل مختلف فکری، فرهنگی و سیاسی به این بلاد هجوم آوردند، عرض وجود کردند و با تمام توان در دفاع از سرزمین، نوامیس، اعتقادات و ارزش‌های دینی و ملی در برابر استعمار ایستادند. این جنبش‌های هدفمند اسلامی،

جمهور تونس، یکی از وفادارترین مهره‌های استعمار در دهه پنجاه میلادی به شمار می‌رفت. بورقیبه، مانند اتاترک، یک سکولار خشن بود و در نخستین روزهای حکومتش، به بهانه مبارزه با سنت، به مسدود کردن دروازه‌های مدارس دینی و جامعه‌الزیتونه پرداخت. او سکولارسازی مراکز و نهادهای آموزشی را نشانه نوگرایی تلقی می‌کرد و به تعبیری؛ او به بهانه مبارزه با سنت به ریشه‌کن‌سازی دین کمر بست. افزون بر آن، بورقیبه نخبه‌گانی را که با سیاست‌های او از لحاظ فکری مخالف بودند، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، همه را روانه زندان می‌کرد و در نتیجه یک فضای بسته و یکنواخت در تونس حاکم شد.

در پاسخ به این امر، حرکت‌هایی از طیف‌های مختلف فکری در برابر رژیم قد علم کردند. در این میان، جوانان متعهد و مسلمانی که از نهضت‌ها و افکار و آرای متفکرین و شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام، به خصوص جریان اخوان‌المسلمین تأثیر پذیرفته بودند، تشکل وسیعی را سازمان دادند و به فعالیت پرداختند. اما پس از مدتی طی یک نشست زیرزمینی این تشکل به دو دسته جداگانه تقسیم شدند: گروه ترقی‌خواهان همسو با نظام و گروهی به رهبری راشدالغنوشی به فعالیت‌های خود ادامه داد و بعدها این گروه به حزب سیاسی بی‌نام "الاتجاه الاسلامی" تغییر

جنبش النهضه تاریخ شکل‌گیری جنبش اسلامی در تونس در حقیقت تاریخ موازی یا متضاد حبیب بورقیبه و در یک چهارچوب وسیع‌تر خود غرب است. بورقیبه، به عنوان ریس جمهور تونس، در بیان تمایل خود نسبت به غرب و ارزش‌های برخاسته از دل آن بسی گستاخ، بی‌پروا و قاطع بود. او در پیوند به اعلام وفاداری نسبت به این ارزش‌ها و ترویج و توسعه آن‌ها، به یک سری اقدامات اهان‌آمیز به باورهای دینی و کهن مردم تونس دست یازید. و در این راستا چنان شتاب‌زده عمل می‌کرد که حتا به ناسیونالیسم عربی - که در دهه شصت قرن بیستم به عنوان ایدئولوژی حاکم و تنها نقطه وحدت بخش ملل عرب در این مقطع از تاریخ بود - نه تنها روی خوش نشان نمی‌داد، بل برعکس عقب‌مانده‌گی و انحطاط ملل عربی را به همین ایدئولوژی پیوند می‌زد.

این امر در این برهه از زمان، مختص به بورقیبه نبود و در همسانی آن می‌توان از رضاشاه در ایران و مصطفی کمال اتاترک در ترکیه نام برد که هر سه تن در یک افق فرهنگی و سیاسی قرار گرفتند. هرچند به لحاظ زمانی تونس با این دو کشور متفاوت بود، اما هر سه تن به سرنوشت مشترکی گرفتار شدند. یعنی در هر سه کشور روند نوسازی (مدرنیزاسیون) در جهت مخالف سنت و به خصوص دین راه‌اندازی شد و سرانجام به شکست انجامید. عوامل موثر در شکل‌گیری اسلام‌گرایی در تونس

این عوامل را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. غرب‌گرایی معکوس: شاید بتوان گفت که غرب‌گرایی شاخص بارز جامعه تونس در قرن بیستم بوده است. غرب‌گرایی روندی است که با پایان استعمار در این کشور از میان نرفت و این کشور همچون دیگر کشورهای شمال افریقا، در معرض گسترش و تقویت فرهنگ اروپایی - فرانسوی قرار گرفت. انگار می‌خواستند هدف نامیمونی را که استعمارگران چکمه‌پوش نتوانستند به آن برسند، با تغییر روش و ترویج فرهنگ خویش به دست آورند. فرانسوا بورجا بدین باور است که شدت فعالیت‌های فرهنگی اروپاییان در شمال افریقا، بیشتر از کشورهای شرقی بوده است. پس از استقلال تونس (۱۹۵۶ میلادی) این روند شدت بیشتر گرفت. بورقیبه زیر چتر شعار جنبش آزادی‌بخش ملی، به اقداماتی دست یازید که نقش سنتی نهادها و مراکز دینی، اداری و آموزشی را به شدت تضعیف کرد. وی به ملی کردن اوقاف و تغییر بسیاری از قوانینی که از شریعت اسلامی سرچشمه گرفته بودند، اقدام کرد و با ترفند غیروابسته کردن سیستم آموزشی، جامعه زیتونه را مسدود نمود. گذشته از آن، تمامی احزاب مخالف سیاست‌های حکومت را منحل و یا حداقل فعالیت‌هایشان را به تعلیق درآورد. رضاشاه و کمال اتاترک روش مشابهی را در پیش گرفتند؛ اما علی‌رغم آن، رضاشاه موفق به سد دروازه حوزه علمیه قم نشد. نمونه‌های دیگری از نظام‌های استبدادی متفاوت در اطراف تونس در همین مقطع از زمان وجود داشتند. مصر و المغرب در واقع دو کشور دارای ساختارهای به شدت مستبد بودند و در عین زمان، نسبت به تونس وضعیت بهتری داشتند. در مصر شرایط مساعدی وجود داشت، چون آزادی‌های داخلی به شهروندان داده شده بود و آن‌هم نه در شرایط اضطرابی، بلکه به شکل نهادینه در آن جریان داشت. در یک چنین نظامی، جامعه‌الزهر نه تنها دروازه‌اش مسدود نشد، بل به رشد و پویایی‌اش افزوده شد. احزاب سیاسی علی‌رغم مخالفت با نظام و فراز و فرودهایی که در پیش رو داشتند، فعالیت می‌کردند و موانع قانونی فراوانشان وجود نداشت.



نام داد. اما علی‌رغم تقاضای جواز فعالیت، از سوی حکومت به رسمیت شناخته نشد و از این رو تنش‌ها میان اسلام‌گرایان و حکومت بالا گرفت و منجر به زندانی شدن چهره‌های مهم و کلیدی این جریان گردید که پس از کنار رفتن بورقیبه از قدرت و روی کارآمدن زین‌العابدین بن علی از زندان رها شدند. این بار این حزب به النهضه تغییر نام یافت و پسوند اسلامی آن حذف شد. با این وجود؛ این حزب به دلیل دینی بودنش منحل اعلام شد و رهبران آن پراکنده شدند و راشد غنوشی تبعید شد. به هر حال، اعضای جنبش النهضه، با تمام چالش‌های فراراه این جنبش، پس از انقلاب در تونس (۲۰۱۱) به وطن برگشتند و تشکیل دولت ایتلافی را به عهده گرفتند. در این نوشته، به گونه گذرا، به نحوه شکل‌گیری، پیشرفت و چالش‌های فراراه النهضه پرداخته شده است.

سرانجام کشورهای اروپایی را ناگزیر به ترک این سرزمین‌ها کرده و استقلال خود را دوباره به‌دست آوردند. اما این پایان کار نبود؛ استعمار پس از خروج نیز باقی ماند و با قوت تمام به ترویج و توسعه فرهنگ خویش در این سرزمین‌ها پرداخت. استعمار مهره‌های کلیدی خود را در ساختارهای مختلف، به‌ویژه ساختارهای سیاسی جابه‌جا نمود و این مهره‌ها برای کسب اعتماد هرچه بیشتر باداران خویش زیر نام نوسازی، به ریشه کن کردن ارزش‌های دینی و تاریخی ملت‌ها متوسل شدند. در عوض؛ یک‌سره فرهنگ غربی را تجویز کردند. این کار زمینه‌ساز شکل‌گیری حرکت‌های تازه‌یی شد که هدف نهایی‌شان پاسخ دادن به این اقدامات خصمانه بود.

"جنبش النهضه" یکی از جنبش‌های صد سال اخیر است که پس از استقلال تونس، در پیوند به چنین اقدامات ناروا شکل گرفت. بورقیبه ریس

بخش نخست



## خجالتی‌ها

## مشکل روانی دارند؟

دل‌تان می‌خواهد وقتی وارد یک جمع می‌شوید، چه‌طور با شما رفتار شود؟ قطعاً دوست دارید از شما استقبال شود، به حرف‌های‌تان گوش داده شود. اما اگر از قضا احساس کنید در جمعی که به آن وارد شده‌اید، معذب هستید و مدام می‌خواهید خودتان را از نگاه دیگران بزدید و خدا خدا می‌کنید کسی با شما صحبت نکند، احتمالاً جزو آدم‌های خجالتی هستید. خجالت و کمرویی از جمله عواطف اجتماعی است که در رفتارهای اجتماعی برخی افراد بروز می‌کند. این‌که این حالت از کجا می‌آید، ذاتی است یا اکتسابی، چه‌قدر از آن طبیعی است و چه‌قدرش آزاردهنده است و راهکارهای مقابله با آن، همه‌گی از جمله سوال‌هایی‌ست که در این مطلب به آن‌ها پاسخ داده شده است.

### خجالتی بودن چه‌طور تعریف می‌شود؟

خجالت از جمله رفتارهایی‌ست که می‌تواند افراد را از زنده‌گی عادی روزمره باز دارد. اغلب افراد خجالتی آن‌قدر با موضوع خجالت‌شان درگیر هستند که تیپ شخصیتی به نام تیپ شخصیت اجتنابی به خود می‌گیرند. این افراد در جمع‌های ناآشنا سخت وارد می‌شوند و برای ایجاد دوستی‌های جدید دچار مشکل هستند و معمولاً مشکل جرأت‌مندی دارند. یکی از مواردی که بیشتر این افراد با آن درگیر هستند، در «نه» گفتن است. اگر کاری از آن‌ها خواسته شود که نخواهند انجام دهند، نمی‌توانند «نه» بگویند و اغلب به‌خاطر خجالت‌شان مورد سوءاستفاده افراد دیگر قرار می‌گیرند. فرد خجالتی حتا زمانی که نظر مخالف دارد، نمی‌تواند نظرش را بگوید، چون نگران است که طرد شود.

برعکس افراد درون‌گرا، این افراد میل به دوستی دارند و خیلی علاقه دارند در جمع پذیرفته شوند؛ ولی از ترس طرد شدن شروع به دوستی نمی‌کنند، چون احساس ترس و اضطراب دارند و فکر می‌کنند کفایت لازم را برای این‌که مورد قبول جمع واقع شوند، ندارند.

به طور کلی، همه این علائم در اختلال شخصیت اجتنابی مشخص می‌شود. جالب است بدانید که شیوع این اختلال ۱۰ تا ۱۲ درصد است و در آقایان و خانم‌ها چندان تفاوتی ندارد. سن شیوع آن‌هم معمولاً از نوجوانی است، گرچه مزاج خجالتی بودن از کودکی در برخی افراد وجود دارد.

### آیا افرادی که اضطراب اجتماعی دارند هم درجاتی از خجالتی بودن را نشان می‌دهند؟

اصطلاح دیگری به نام ترس اجتماعی هم وجود دارد که خصوصیات بسیار شبیه اختلال اجتنابی دارد. قطعاً همه ما درجاتی از ترس اجتماعی را تجربه می‌کنیم، مثلاً وقتی قرار است سخنرانی داشته باشیم یا به صورت شفاهی درس جواب دهیم. این اضطراب ۲ نمونه دارد؛ یکی نمود ذهنی و شناختی است که در آن فرد مدام در ذهنش نگران قضاوت دیگران است و می‌ترسد نتواند از عهده اجرای نقشی که به او سپرده شده برآید. یکی دیگر نمود جسمی است که با حالت برافروخته‌گی صورت، لرزش صدا و دست، تپش قلب و تعریق خودش را نشان می‌دهد.

منبع: هفته‌نامه زنده‌گی مثبت

# چند همسری یاتک در اسلام

عبدالرشید فکرت بخشی - استاد دانشگاه کابل  
بخش دوم

چندهمسری در اسلام با تحدید در عدد و شرط عدالت همراه بوده است. اسلام از یکسو بر تحدید کمی چندهمسری انگشت نهاده و از سوی، عدالت را شرط لازم چندهمسری به حساب آورده است. قید «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُعَدِّلُوا فَوَاحِدَةٌ» نشان می‌دهد که عدم خوف از تأمین عدالت، شرط اباحت چندهمسری است.

عدالت نه تنها در رابطه با همسران، که در تمام شئون زنده‌گی یک اصل است و یکی از اهداف پیامبران الهی نیز تأمین عدالت میان مردم بوده است [حدید: ۲۵].

به همین‌سان، عدالت میان همسران از مواردی است که اختصاصاً در قرآن بدان توصیه شده است و عدم عدالت، مساوی با عدم اباحت چندهمسری قرار گرفته است. در روایتی از پیامبر اکرم ص آمده است: «عن ابی هریره: عن النبی قال إذا کان عند الرجل امرأتان فلم يعدل بینهما جاء یوم القیامة وشقه ساقط» از ابوهریره روایت است که نبی کریم ص فرمودند: هرگاه مردی سرپرستی دو خانم را به عهده داشته باشد و در میان آن‌ها عدالت نکند، در روز قیامت چنان حاضر می‌شود که یک بدنه وی از بین رفته است. از این‌جا می‌توان اهمیت تأمین عدالت میان همسران را درک کرد و وعید شدیدی که بر آن وارد است، ترک عدالت میان همسران را در زمره گناهان کبیره قرار می‌دهد.

ظاهر آیه سوم سوره نساء نشان می‌دهد که عدم خوف از عدالت، شرط اباحت حکم چندهمسری است. در این میان، برخی‌ها علم به اجرای عدالت را شرط گفته‌اند که در آن صورت، این شرط سنگین‌تر می‌شود و افزون به عدم خوف از تأمین عدالت، علم به اجرای عدالت را نیز در بر می‌گیرد. با توجه به آیه کریمه، عدم خوف از تأمین عدالت، شرط حکم چندهمسری بوده و با منطبق آیه سازگارتر است. علم به اجرای عدالت در آیه قید نشده است و آیه کریمه فقط یک شرط برای اباحت تعدد زوجات قرار داده است که نداشتن ترس تأمین عدالت است و حکمی که مقید به یک‌شرط باشد، در ماسوای آن شرط، مطلق باقی می‌ماند و نمی‌توان شرط و شرط‌های دیگری اجتهاداً به آن افزود.

برخی‌ها گمان می‌برند که در صورت تحقق شرط (عدم خوف از تأمین عدالت) مرد باید لزوماً به ازدواج دوم و سوم و چهارم اقدام نماید، در حالی‌که چنین

برداشتی نادرست به نظر می‌رسد. کما این‌که، وجود شرط مستلزم وجود مشروط نیست، اما وجود مشروط وابسته به وجود شرط است. علمای اصول فقه شرط را چنین تعریف کرده‌اند «ما یتوقف وجود الشی علی وجوده، و کان خارجاً عن حقیقه، ولا یلزم من وجوده وجود الشی، ولکن یلزم من عدمه عدم ذالک الشی» شرط آن است که وجود شی به آن موقوف باشد و شرط خارج از حقیقت آن شی است، وجود شرط مستلزم وجود مشروط نیست، اما عدم شرط مستلزم عدم مشروط است. مثلاً حضور شاهدان در عقد نکاح شرط صحت عقد است و بدون حضور شاهدان، عقد صحیح نخواهد بود، اما ممکن است شاهدان حضور یابند اما عقد نکاح صورت نگیرد، چه حضور شاهدان خارج از حقیقت عقد نکاح است و از حضور آن‌ها نمی‌توان تحقق عقد را نتیجه گرفت.

با این توضیح، نداشتن خوف از تأمین عدالت، شرط اباحت چندهمسری است و چندهمسری جز در صورتی که مرد خوف از تأمین عدالت نداشته باشد، مباح نخواهد بود؛ اما عدم خوف از تأمین عدالت (شرط) مستلزم اقدام به چندهمسری (مشروط) نیست؛ چه وجود شرط لزوماً به وجود مشروط نمی‌انجامد و ممکن است کسی علی‌رغم آن‌که از تأمین عدالت میان همسران ترسی ندارد، اقدام به ازدواج دوم و سوم و چهارم نکند.

در آیه سوم سوره نساء، خوف از عدم عدالت مانع حکم اباحت چندهمسری خوانده شده است و در آیه یک‌صدویست‌ونهم این سوره، از عدم توانایی نسبت به عدالت در بین همسران سخن به میان آمده است.

این آیه چنین است:

﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمَعْلُوقَةِ وَإِنْ تَصْلَحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [نساء: ۱۲۹]

ترجمه: و شما هرگز نمی‌توانید در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هرچند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را به‌کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به‌صورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورید! و اگر راه صلاح و پرهیزکاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

آیه فوق از عدم استطاعت بر تأمین عدالت میان همسران سخن گفته است، در حالی‌که آیه سوم این سوره، تعدد زوجات را منوط به عدم خوف از تأمین عدالت، قرار داده است. برخی‌ها از این مسأله نتیجه گرفته‌اند که تعدد زوجات در اسلام جواز ندارد؛ چه تعدد زوجات منوط به عدالت است و آیه ۱۲۹ صراحتاً بیان می‌دارد که شما نمی‌تواند میان همسران عدالت کنید ولو بر این کار حریص هم باشید. پس نتیجه عدم جواز تعدد همسران است. این استدلال در یک قیاس منطقی چنین می‌شود:

هرگاه خوف عدم عدالت وجود داشته باشد، تعدد زوجات جواز ندارد (نساء: ۳)

عدالت (اگر به آن حریص هم باشید) کرده نمی‌توانید (نساء: ۱۲۹)

---  
پس تعدد زوجات جواز ندارد!

این نوع استدلال نادرست است و نادرستی آن بدان جهت است که منظور از عدالت در آیه سوم، عدالت مادی است که در حدود اختیار انسان قرار دارد، و منظور از عدالت و عدم توانایی بر آن در آیه ۱۲۹ عدالت قلبی است که خارج از اختیار انسان است و عبارت «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ» نیز این استنباط را قوت می‌بخشد.

قرآن کریم با بیان این‌که، عدالت قلبی ولو به تأمین آن حریص باشید - میسر نیست، به یکی از ویژه‌گی‌های روان‌شناختی انسان اشاره می‌کند و این‌که میل قلبی در حدود اختیار بشر نیست و بشر ممکن است به همسرانی بیش از همسران دیگر تمایل قلبی داشته باشد. از همین‌جاست که پیامبر ص در باب عدالت میان همسران خویش همواره دعا می‌کردند: «اللَّهُمَّ هَذَا قَسَمِي فِيمَا أَمْلِكُ فَلَا تَلْمَنِي فِيمَا تَمْلِكُ وَلَا أَمْلِكُ». خداوند! این تقسیم من است در آن‌چه که مالک آن هستم. پس مرا در آن‌چه که تو مالک آن هستی و من برآن تسلطی ندارم؛ ملامت مکن. فراموش نباید کرد که نامیسر بودن عدالت قلبی مانع اباحت تعدد زوجات نیست، بلکه اباحت چندهمسری مشروط به عدالت مادی است که تأمین آن ناممکن به نظر نمی‌رسد.

از سویی هم، معقول و پذیرفتنی نیست که خداوند حکیم عقدی را مباح قرار دهد و سپس آن را معلق به شرطی قرار دهد که تحقق آن محال باشد. اگر چنین باشد، امر عبثی از خداوند سر زده است، در حالی‌که صدور امر بیهوده از شارع حکیم محال است.

عبارت «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمَعْلُوقَةِ» نشان می‌دهد که میل قلبی نباید در رفتارهای عینی شخص خودش را نشان دهد و تمام ذهن و اندیشه مرد معطوف به یک جهت شود، در حالی‌که همسران دیگری پادروا باقی بمانند. مرد باید اصلاح کند و تقوا پیشه نماید و نگذارد که تمام توجه او به یکی از همسرانش معطوف شود و دیگران از این عنایت بی‌نصیب مانند.

**آثار فقدان شرط عدالت**

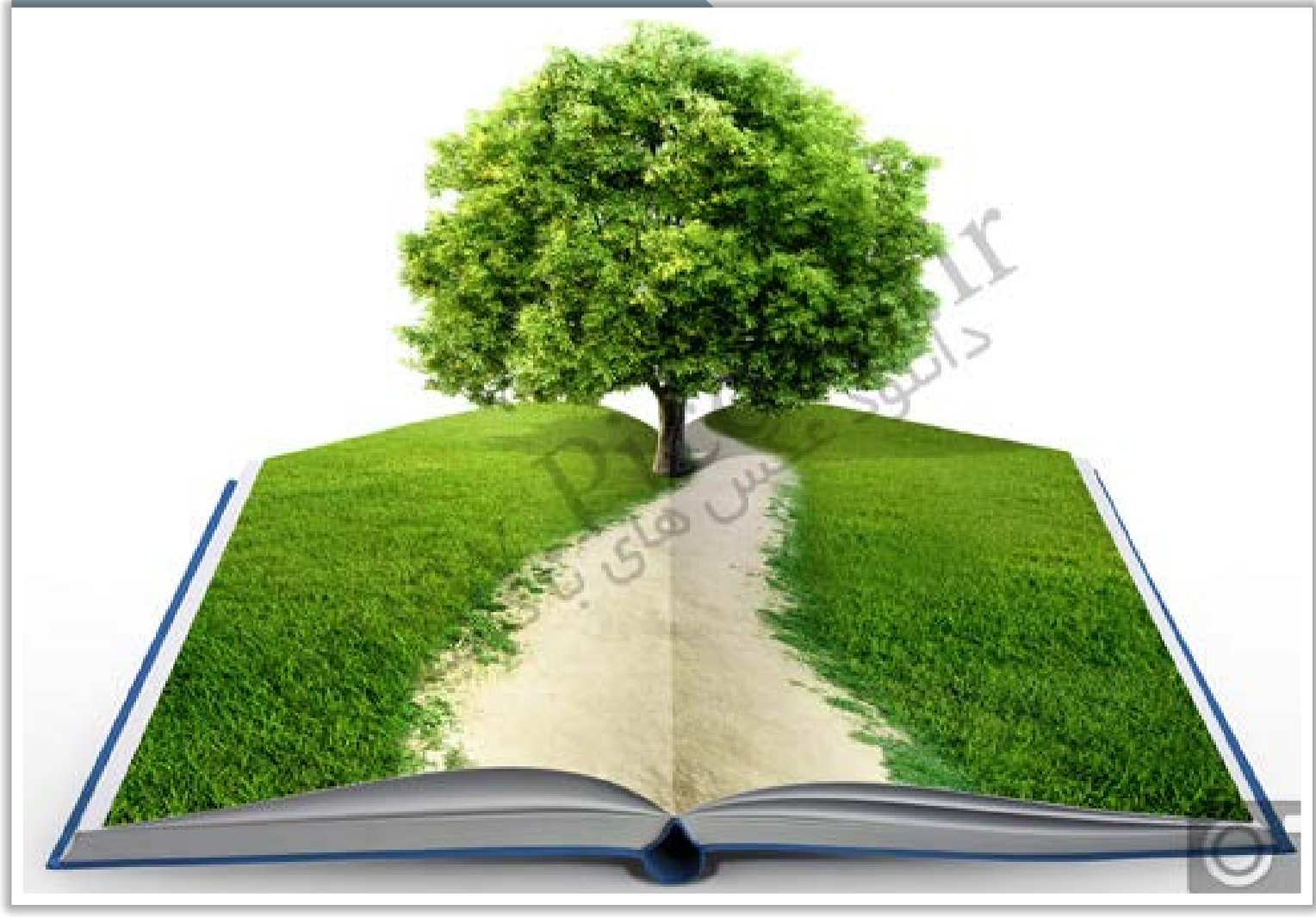
تردیدی نیست که چندهمسری در اسلام با شرط سنگین عدالت همراه است و جز در سایه عدالت، چندهمسری جواز نمی‌یابد. با این وصف، اگر کسی علی‌رغم آن‌که از تأمین عدالت هراسان است و حتا می‌داند که نمی‌تواند میان همسران عدالت نماید، بازهم دست به ازدواج دوم و سوم... می‌زند، چه اثری بر آن مرتب می‌شود؟ باید گفت که این مسأله با تکلیفی دانستن و یا وضعی دانستن شرط عدالت رابطه می‌گیرد. اگر عدالت شرط قانونی صحت و نفاذ

عقد باشد، ازدواج در فقدان آن با بطلان مواجه بوده و در غیاب شرط عدالت، اصلاً و صفماً نامشروع دانسته می‌شود، انگار هیچ عقد دومی و سومی و چهارمی‌بی صورت نگرفته است و افزون بر آن‌که شخص مرتکب معصیت و گناه می‌شود، عقد نیز از بنیاد باطل است. این در صورتی‌ست که اجرای عدالت جنبه تکلیفی و وضعی داشته باشد.

اکثریت فقیهان اسلامی اجرای عدالت را دارای جنبه تکلیفی دانسته‌اند و به آن اثر وضعی قابل نشده‌اند. با این بیان، تخلف از اجرای عدالت □ خواه در ابتدا باشد و یا در بقا - موجب گناه است نه بطلان. این عده، عبارت «ذالک ادنی ألا تعولوا» را نیز ناظر به جنبه تکلیفی اجرای عدالت دانسته‌اند که فقدان آن موجب ابطال نه، بلکه موجب گناه خواهد بود.

آیا می‌توان قید دیگری نیز بر چندهمسری اضافه کرد؟ در رابطه با این‌که آیا می‌توان شرط و یا شرایط دیگری افزون بر عدالت نیز برای چندهمسری در نظر گرفت و یا چندهمسری فقط با یک شرط مورد اتفاق که همان عدالت است، مشروع گردانیده شده است، باید گفت که این مسأله برمی‌گردد به این‌که اصل در ازدواج بر تعدد است و یا تک‌همسری. کسانی که اصل را بر تعدد نهاده‌اند، افزودن هر شرط دیگری را نفی کرده، و چندهمسری را به عنوان اصل در نظر گرفته‌اند و تک‌همسری را حالت استثنایی تلقی نموده‌اند. این گروه، خطاب آیه کریمه را مبنی بر نکاح با دو، سه و یا چهار زن ذلیلی برای اصل بودن چندهمسری دانسته و تک‌همسری را در حالت خوف از عدالت، استثناء خوانده‌اند. بدین اساس، چندهمسری اصل است و این‌که پیامبر اکرم نیز به کثرت امت مباحات می‌ورزد نیز این اصل را تقویت می‌بخشد. چندهمسری را که با شرط اجرای عدالت همراه است، نمی‌توان با شروط دیگری محدود کرد، بلکه مشروط در ماسوای شروط خودش، مطلق باقی می‌ماند و افزودن شرط دیگری بر آن جواز ندارد.

برخی فقیهان اسلامی از جمله ابن قدامه به مندوب بودن چندهمسری تأکید دارند و با این رویکرد، اصل را بر چندهمسری می‌دانند. ابن قدامه استدلال می‌کند که پیامبر دارای چندین همسر بوده و صحابه کرام نیز چندهمسری را رعایت کرده‌اند. از آن‌جایی‌که پیامبر و اصحاب وی جز به افضل عمل نمی‌کنند، چندهمسری افضل‌تر می‌یابد. فراموش نشود که مسأله اباحت و یا استحباب چندهمسری در جایی‌ست که جنبه‌های تکلیفی چندهمسری مورد نظر باشد و پهلوهای وضعی آن مورد نظر قرار نگیرد. مسلم‌تر این است که چندهمسری را می‌توان همچون حکم نکاح متناسب به حالت شخص، به کراهیت، استحباب، حرمت، وجوب و... توصیف کرد. در این رویکرد، وضع و حالات اهمیت خاصی می‌یابند و حکم چندهمسری با توجه به اوضاع و احوال شخص و جامعه تعیین می‌شود.



# فاجعه نفوذ آی اس آی

## در دانشگاه‌های افغانستان

ناجیه نوری

استخبارات پاکستان با سربازگیری از میان دانشجویان دانشگاه ننگرهار در صدد عملی کردن برخی از اهداف خویش می‌باشد. شماری از آگاهان سیاسی می‌گویند: نفوذ روز افزون آی‌اس‌آی پاکستان در درون دانشگاه‌ها برای سربازگیری از دانشجویان آغاز شده و این مساله برای افغانستان بسیار خطرناک و یک فاجعه است. و اما شماری از استادان می‌گویند: در کنار استخبارات پاکستان برخی از استادانی که در کشورهای عربی تحصیل کرده اند نیز در سازمان دهی این گونه تظاهرات نقش دارند. به گفته آنان، برخی از استادان که دیدگاه افراطی شان در میان مردم خریدار چندانی ندارد، از طریق دانشجویان می‌خواهند نظریات شان را عملی سازند.

ده‌ها تن از دانشجویان دانشگاه ننگرهار روز دوشنبه هفته جاری با برافراشتن پرچم های گروه طالبان، داعش و حزب اسلامی حمایت شان را از این گروه ها اعلام نمودند.

این دانشجویان با ترک نمودن کلاس‌های درسی در شهر و در منظر عام تجمع نموده و با برافراشتن پرچم گروه های طالبان و داعش شعارهای ضد حکومتی سر دادند. یک تن از دانشجویان گفته که از جمهوری خسته شدیم، ما خلافت اسلامی می‌خواهیم، ما خلافت عادلانه می‌خواهیم ما نظام اسلامی می‌خواهیم.

این در حالیست که آگاهان رشد افراطیت در میان مردم را خطرناک و حکومت و جامعه جهانی را در جلوگیری از این کار ناکام می‌دانند. جاوید کوهستانی آگاه سیاسی نظامی این عملکرد را سربازگیری عنوان کرده گفت: این اقدام بیان‌گر سربازگیری دانشجویان توسط استخبارات پاکستان است که باید مورد بررسی جدی قرار گیرد. کوهستانی تاکید کرد: نفوذ آی‌اس‌آی پاکستان در دانشگاه‌ها روز افزون شده و این مساله برای افغانستان بسیار خطرناک است. وی حمایت دانشجویان دانشگاه ننگرهار از طالبان و داعش را یک فاجعه خوانده گفت: در گذشته نیز چنین اتفاقاتی هم در دانشگاه کابل وهم در سایر دانشگاه‌ها رخ داده و نشانگر آماج قرار گرفتن نسل جوان توسط استخبارات پاکستان است.

### انتخابات پارلمانی یک...

انتخاباتی بسته پیشنهادی خود را در ۸ سنبله سال روان به‌رهران دولت سپرد که این بسته با استقبال رهبران دولت وحدت ملی روبه‌رو شد و آنان به‌عملی کردن بی‌درنگ این بسته وعده سپردند، اما با گذشت بیشتر از دو ماه از عملی‌سازی آن پیشنهادها خبری نیست.

آقای سانچارکی مشاور فرهنگی ریاست اجرایی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: در بسته پیشنهادی کمیسیون اصلاح انتخاباتی مواردی وجود داشت که باید مورد دقت و ارایه جزئیات بیشتر قرار می‌گرفت. به‌این خاطر، دوباره به‌کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی ارجاع و سبب تأخیر شد.

آقای سانچارکی در پیوند به موارد اصلاحی بسته پیشنهادی گفت: «نظام انتخاباتی، مشارکت احزاب سیاسی در انتخابات پارلمانی و همچنان افراد منفردی که می‌خواهند خود را نامزد پارلمان بسازند، از جمله این موارد بود که در این زمینه، کمیسیون باید مکانیسم روشن و مشخصی باید ارایه می‌کرد.»

مشاور فرهنگی ریاست اجرایی بیان داشت: «کمیسیون اصلاح انتخاباتی در این رابطه جلسات متعددی برگزار کرده و تلاش دارند تا دیدگاه‌های خود را جمع‌بندی کنند که احتمالاً در روزهای نزدیک در این رابطه نیز به‌دیدگاه‌های مشخصی برسند.»

آقای سانچارکی در ارتباط به آغاز کار کمیته گزینش گفت: در این کمیته باید نماینده‌گان نهادهای جامعه

به گفته این آگاه نظامی سیاسی، این اقدام دانشجویان ننگرهار را نشان می‌دهد که هنوز هم دیدگاهی افراط‌گرایانه در افغانستان خریدار بسیار دارد.

او می‌گوید: اما یک بخش این عملکرد بیان‌گر نارضایتی مردم از وضعیت موجود است، ناهنجاری‌هایی که در درون جامعه شکل می‌گیرد، زمینه واکنش‌های مردمی را به وجود آورد و استخبارات منطقه هم از این معضل به نفع خودشان استفاده می‌کنند.

او تصریح کرد: این اقدام یک فشار روانی بر حکومت وحدت ملی از سوی محصلان می‌تواند تلقی شود، زیرا برای کاهش فساد که به اوج خود رسیده، هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد.

و اما یکی از استادان دانشگاه کابل که نخواست نامی از او گرفته شود می‌گوید: برخی از استادان که دیدگاه



افراطی شان در میان مردم خریداری چندانی ندارد، از طریق دانشجویان می‌خواهند نظریات شان را عملی سازند.

به گفته او: شماری از استادان که در کشورهای عربی تحصیل کردند و چون بیشترین تحصیلات شان تحت تاثیر مذاهب همان کشورها انجام شده، بنابراین برای پیاده کردن همان افکار خود که در آن‌جا فراگرفتند؛ از دانشجویان استفاده می‌کنند.

وی افزود: درحال حاضر استادان تلاش می‌کنند دیدگاه همان کشوری را که در آن‌جا تحصیل کرده اند، به مغز محصلان تزریق کنند و این مساله سبب کشاندن جوانان به طرف حرکات احساسات شده است.

این استاد دانشگاه با انتقاد از حکومت گفت: حکومت

بی‌خبر از این مساله که ممکن است برای آینده افغانستان یک فاجعه باشد، به فکر منافع خود است.

او ضمن اینکه این گونه حرکات را حرکت‌های استخباراتی می‌داند نه حرکت‌های دینی- مذهبی می‌گوید: دست‌های استخباراتی کشورهای همسایه اکنون در صدد استفاده از جوانان برای رسیدن به مقاصد شان هستند.

وی افزود: بدون شک دست آی‌اس‌آی پاکستان در این مساله دخیل است و باید حکومت برای جلوگیری از این مساله اقدام جدی کند، ورنه عاقبت این گونه حمایت‌ها آن هم توسط دانشجویان بسیار خطرناک و فاجعه بار خواهد بود.

با این حال، اعضای مجلس سنا نیز از بلند کردن پرچم طالبان، داعش و حزب اسلامی به شدت انتقاد نموده و حکومت را در این خصوص به بی‌کفایتی متهم کردند.

به گفته سناتوران: بلند کردن پرچم طالبان، داعش و حزب اسلامی توسط دانشجویان دانشگاه ننگرهار بیان‌گر فعالیت گسترده مخالفان در دانشگاه ها و بسیار خطرناک است.

مچی الدین منصف رییس کمیسیون تقنین مجلس سنا در این خصوص گفته که در ننگرهار تنها رییس دانشگاه مقصر نیست؛ بلکه تمام مسوولان مقصراند از والی شروع تا نهادهای امنیتی؛ زیرا وقتی چنین موضوعی در یک نهاد آکادمیک مطرح می‌شود؛ از آنجا به سایر دانشگاه‌ها، مکاتب و مساجد نشات خواهد کرد.

در همین حال محمدمعلم ایزدیار معاون اول مجلس سنا به کمیسیون‌های ذیربط این مجلس وظیفه داد تا مسوولان مربوطه را فرا بخوانند و این مساله را بررسی کنند.

اما مسوولان وزارت تحصیلات عالی با آنکه حاضر به گفت‌وگو با ما نشدند؛ اما تاکید کردند که این مساله را به طور جدی پی‌گیری می‌کنند که آیا تظاهرکننده‌گان دانشجوی بودند یا خیر و سپس آن را با مطبوعات شریک خواهند ساخت.

دانشجویان معترض یکی از دلایل اعتراض شان را فساد اداری، وضعیت بد دانشگاه ننگرهار، عدم رسیده گی به دانشجویان، مدیریت استبدادی دانشگاه و تاخیر در پرداخت بدل اعاشه خود می‌دانند و می‌گویند که آنان به اعتراض‌ها ادامه خواهند داد.

اطمینان دهند که انتخابات آینده شفاف، سالم و قابل قبول خواهد بوده و از هر رأی‌شان حفاظت خواهد شد.

### کمیته نا تکمیل

از سوی دیگر، معاون سخنگوی رییس جمهور گفته که معرفی اعضای کمیته گزینش تاکنون تکمیل نشده است.

سیدظفرهاشمی معاون سخنگوی رییس جمهور، گفته است: افرادی که از سوی نهادهای مدنی و حقوق بشری به گونه انتصابی معرفی شده اند در حالی که این روند باید به شکل انتخابی صورت می‌گرفت. هاشمی با آن که زمان را برای تکمیل کمیته گزینش مشخص نکرده، اما گفت که این کمیته پس از معرفی دوباره اعضای جامعه مدنی و حقوق بشر و تکمیل شدن اعضا کارش را آغاز خواهد کرد.

به نقل از رسانه‌ها، دین‌محمد گران، نادر هوتک، لطف‌الرحمان، فهیم دشتی، نعیم ایوب‌زاده، زرقا یفتلی و احمدضیا لنگری به ترتیب به عنوان نماینده‌گان دادگاه عالی، کمیسیون‌های اصلاحات اداری، نظارت بر تطبیق قانون اساسی، نهادهای رسانه‌یی، نهادهای مدنی، نهادهای دفاع از حقوق زن و کمیسیون حقوق بشر اعضای این کمیته معرفی شده اند.

پیش از این، رییس مجلس نماینده‌گان از رهبران دولت خواسته بود تا هر چه عاجل زمان برگزاری انتخاباتی پارلمانی و شوراهای ولسوالی را روشن سازند.

### بی تفاوتی به پرونده...

زنان افزایش یافته است؛ سنگسار رخشانه در غور مصداقی از این مدعا است. بانو فروزان، کار نهادهای عدلی و قضایی و همچنین حکومت وحدت ملی را در پیگیری پرونده قتل فرخنده ضعیف و ناکام خواند.

نجلا راحیل یکی از وکلای مدافع پرونده فرخنده می‌گوید که بر اساس قانون، دادگاه عالی موظف است تا در مدت چهار ماه حکم نهایی خود را اعلام کند. به باور بانو راحیل، نزدیک به سه ماه از زمان تعیین شده حکم نهایی گذشته و در این صورت، قانون از سوی خود دادگاه عالی نیز نقض شده است. خانم راحیل از ریاست دادگاه عالی خواست تا حکم دادگاه اول و دوم پرونده فرخنده را رد کند؛ زیرا به باور وی این دو دادگاه احکامی غیرعادلانه صادر کرده بودند.

وکیل مدافع پرونده فرخنده می‌گوید که از میان ۴۹ نفری که به اتهام دست داشتن در پرونده قتل فرخنده بازداشت شده بودند، تنها ۱۲ نفرشان هنوز هم در بندند.

همچنین عارفه صفار مسوول شبکه زنان در مزارشریف، دستگاه قضایی کشور را در رسیده‌گی به پرونده فرخنده، متهم به کم‌کاری و سهل‌انگاری کرد.

دادگاه استیناف از میان ۴۹ متهم قتل فرخنده، ۴ تن را به اعدام و ۸ تن را به ۱۶ سال حبس محکوم کرد و ۱۸ تن دیگر را بی‌گناه شناخت. فرخنده در نخستین روزهای سال جاری در منطقه شاه دوشمشیریه به اتهام سوزاندن قرآن، توسط مردان خشمگین مورد لگ و کوب قرار گرفت و سپس به آتش کشیده شد.

### اعتراض گسترده شهروندان...

آقای توسلی می‌گوید: «از دولت افغانستان تقاضا می‌کنم آماده شود و بحران را خاموش کند. از پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک می‌خواهم مشت واحدی شوند علیه مزدوران بی‌گانه و اجیرشده‌هایی که جنگ سوم بین‌المللی سوم را در فرق خود مسلمان‌ها آغاز کرده است.»

محمدامان حمیمی، والی غزنی نیز در جمع معترضان گفت که خواسته‌های مردم غزنی را به دولت مرکزی منتقل کرده و از تکرار مشکلات در این ولایت جلوگیری می‌کنند.

بر بنیاد یک خبر دیگر، هشت تن از ربوده‌شده‌هایی که در بند طالبان زابل بودند، صبح امروز آزاد و به مقام‌های محلی در ولسوالی جاغوری ولایت غزنی تحویل داده شده اند.

ریاست امنیت ملی کشور با نشر اعلامیه‌یی نوشته است، این مسافران که شامل ۵ مرد، دو زن و یک نوجوان هستند، از سوی نیروهای امنیت ملی آزاد شده اند.

این در حالی است که شماری از این مسافران نزدیک به ۹ ماه در بند طالبان بوده اند.

امنیت ملی هم‌چنان ادعای طالبان و شماری از رسانه‌ها مبنی بر اعدام شدن قاتلان این مسافران از سوی طالبان را رد کرده و گفته است که این مسافران از سوی طالبان سر بریده شده اند. به نوشته ریاست امنیت ملی، طالبان می‌خواهند با انداختن مسؤولیت این رویداد به دوش گروه داعش، روی جنایت‌های خودشان سرپوش بگذارند.

پس از ایجاد حکومت وحدت ملی، ناامنی در شماری از شاهراه‌های کشور افزایش یافته و ربودن مسافران از مسیر این شاهراه‌ها، تبدیل به فرهنگی میان گروه‌های تروریستی شده است. در چند ماه گذشته چندین رویداد گروگان‌گیری ولایت زابل و مسیرهای ولسوالی‌های ولایت غزنی رخ داده است.

### صلح دو بُعد دارد...

شیجون نقش افغانستان را در راستای بهبود وضعیت امنیتی منطقه مهم دانست.

در ادامه این خبرنگار آمده است که رییس جمهور غنی نیز از کمک‌های چین به افغانستان در عرصه‌های مختلف تشکر کرد و تلاش‌های آن کشور را راستای ترقی و پیشرفت افغانستان و برقراری امنیت در این کشور و منطقه ستایش کرد.

وی گفت که صلح باعزت و پایدار نیاز اساسی افغانستان است.

آقای غنی افزود: «صلح در افغانستان دو بُعد دارد، یکی صلح با پاکستان و دوم با طالبان.»

وی تأکید کرد که حکومت پاکستان باید علیه گروه‌های تروریستی که در مقابل مردم افغانستان اعلان جنگ می‌کنند، اقدام کند و با این کار همکاری و صداقت خویش را در مبارزه با تروریسم و تأمین صلح پایدار در افغانستان نشان دهد.

رییس جمهور خاطر نشان کرد: «تروریسم تهدید مشترک برای افغانستان، پاکستان و منطقه است و بر مبارزه مشترک و صداقانه برای از بین بردن این پدیده شوم تأکید کرد.»

این درحالی است که هفته گذشته معاون رییس جمهور چین در سفر به کابل چند قرارداد مهم با افغانستان را به امضا رساند.

# ۱۸ - ۲۲ عقرب؛

## روزهای سرنوشت‌ساز در تاریخ افغانستان

رهبان علی آبادی

هر ملتی در سالنمای خویش روزهایی دارد که همه‌ساله از آن‌ها به عنوان روز پیروزی تجلیل به عمل می‌آورد. و همچنان روزهای دیگری در تقویم ملت‌ها به مشاهده می‌رسد که آن را روز سیاه یا ماتم ملی می‌نامند.

افغانستان نیز که جزو جامعه جهانی است، از این قاعده مستثنا نبوده و در تاریخ خویش، روزهای پیروزی و شکست که قابل تجلیل یا تقبیح باشد، فراوان دارد. به‌طور مثال: از روزهای ۲۸ اسد، ۲۶ دلو و ۸ ثور به عنوان روزهای آزادی و از ۶ جدی به نام روز سیاه، یادبود به عمل می‌آید.

حال این سوال مطرح می‌شود که: معیار انتخاب روزهای تاریخی قابل تجلیل یا تقبیح چیست؟

در پاسخ می‌توان گفت روزهای تاریخی قابل یادآوری، قانون‌مندی خاصی خود را دارند و آن عبارت است از این که همچو روزها به صورت آشکار، نقطه پایان یک مرحله تاریخی و سرآغاز مرحله تاریخی دیگر، با ویژه‌گی‌های متفاوت می‌باشند. چنان‌که قبل از سال ۱۹۱۹، افغانستان استقلال سیاسی نداشت و از همین رو مردم این سرزمین احساس حقارت می‌کردند؛ اما با اعلام استقلال کشور در روز ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ خورشیدی برابر با ۱۹ اگست سال ۱۹۱۹ میلادی (۱) از طرف شاه امان‌الله، وضعیت تغییر کرد و پس از آن مردم افغانستان به عنوان ملتی مستقل و با افتخار، زنده‌گی آبرومندانه خویش را آغاز نموده و ادامه دادند. به همین گونه روز ۲۶ دلو ۱۳۳۷، نقطه پایان دوره اشغال کشور توسط شوروی و روز اعاده استقلال و خودارادیت ملت افغانستان تثبیت گردید. و همچنان روز ۸ ثور ۱۳۷۱، پایان‌بخش دوره تاریخی آغاز شده از روز ۷ ثور ۱۳۵۸، شناخته شد. در همین راستا می‌توان گفت که ۶ جدی ۱۳۵۸، به دلیل شکسته شدن حریم کشور ما توسط ابرجنانور وقت، یعنی شوروی سابق که پیامد آن نابودی همه ارزش‌ها و داشته‌های معنوی و مادی مردم افغانستان بود، همه‌ساله به عنوان روز سیاه و ماتم ملی تقبیح می‌گردد.

اگر بپذیریم که معیار انتخاب روزهای تاریخی و قابل یادبود، پایان بخشیدن به یک دوره تاریخی و آغاز دوره تاریخی دیگر است که هر دوره از هم تفاوت آشکار داشته باشند، باز این سوال مطرح می‌شود که حکومت خودخوانده طالبان که از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۰ بر بخش اعظم کشور مسلط گردید، افغانستان را در انزوای بین‌المللی قرار داد و به پناهگاه امن تروریسم جهانی و دهشت‌افکنان خارجی مبدل کرد، در کدام روز پایان یافت، و نظام مردم‌سالار کنونی که مردم افغانستان در حال حاضر آن را تجربه می‌کنند، در کدام تاریخ پایه‌گذاری شده و آغاز فصل جدید در تاریخ کشور، کدام روز است؟

برای درک اهمیت، کشف و شناخت زمان فاصل میان دوره طالبان و نظام فعلی که تفاوت میان این دو دوره تاریخی از زمین تا آسمان است، ضرورت احساس می‌شود که اندکی به عقب برگشته، در مورد ماهیت رژیم طالبان و چه‌گونه‌گی رویدادهای تأثیرگذار در سقوط آنان و ایجاد اداره مؤقت که زمینه را برای حکومت‌های انتقالی و انتخابی مساعد ساخت، روشنی ببندیم. به منظور جلوگیری از طولانی شدن بحث، از سقوط کابل به دست طالبان آغاز می‌کنیم:

### سقوط کابل به دست طالبان در ۵ میزان ۱۳۷۵

گروه طالبان که با تصرف قندهار و هرات در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، یک نلث افغانستان را تحت کنترل خود درآورده بود، بعد از اشغال جلال‌آباد، بر کابل حمله نمود. آن‌ها بعد از این که رهبری دولت اسلامی تحت ریاست استاد برهان‌الدین ربانی کابل را در ۵ میزان ۱۳۷۵ تخلیه نمود، بر پایتخت مسلط گردیدند. از این تاریخ به بعد، موازنه قوا از لحاظ پرستیژ حکومتی به نفع طالبان تغییر کرد. بنابراین آن‌ها به پیشروی‌شان ادامه داده تا سال ۱۳۷۷، با تصرف مزارشریف و بامیان، توانستند ۹۰ درصد خاک افغانستان را تحت کنترل خود درآورند. طی این سال‌ها افغانستان در حالت نهایت مایوس‌کننده قرار داشت که برای هیچ انسان متمدن و امروزی اعم از مردم افغانستان و جهان، قابل تحمل و پذیرش نبود.

در دوره حکومت طالبان مردم افغانستان به‌طور سیل آسا و درحالی که هیچ روزنه امید برای بازگشت در چشم‌اندازشان وجود نداشت، به مهاجرت روی آوردند.

در نظام پولیسی طالبان، همه مردم به گونه زندانیان تحت نظر قرار داشتند و حتا کسی اختیار انتخاب شیوه زنده‌گی شخصی خود را نداشت. همان‌گونه که زندانیان همیشه تحت نظر قرار دارند و سر و صورت‌شان از طرف مأمورین زندان تراشیده می‌شود، گروه طالبان نیز موی سر مردم را می‌تراشیدند و کسانی را که ریش نداشتند، مورد اهانت قرار می‌دادند. گروه



طالبان نیمی از پیکر اجتماع را که عبارت از زنان می‌باشد، در خانه‌ها محبوس ساخته بودند و در تمام قریه‌ها و قصبات تحت کنترل آنان، مردم مجبور بودند روزانه پنج بار به طالبان حاضری دهند.

در آن زمان شهرها خالی از سکنه شده بود و در پایتخت کشور که امروز بیش از پنج میلیون انسان را در آغوش خود جای داده است، کمتر از پنج‌صدهزار نفر زنده‌گی می‌کردند. حال که ماهیت رژیم طالبان بار دیگر در پیش چشم ما مجسم گردید، می‌پردازیم به اصل موضوع که چه‌گونه جریان تاریخ از حرکت به سوی بدویت، وحشت و خشونت، در جهت مدنیت و انسانیت تغییر مسیر داد. و با کنار رفتن استبداد، مردم بر سرنوشت‌شان حاکم شدند.

واقعیت این است که بعد از سقوط کابل به دست طالبان، ذهنیت عمومی دگرگون شد و همه مردم حتا جهانیان پذیرفتند که افغانستان برای همیشه در کام القاعده سقوط کرده است و هر نوع تلاش برای نجات آن، خواب و خیالی بیش نخواهد بود.

### تصمیم فرماندهان مجاهدین بر مقاومت علیه اشغالگران

اما در این لحظه‌های ناامیدی و یأس و برخلاف انتظار همه‌گان، به تاریخ ۹ میزان ۱۳۷۵، رهبران جهاد و مقاومت افغانستان هریک شهید احمدشاه مسعود، محمد کریم خلیلی و عبدالرشید دوستم در ولسوالی خنجان ولایت بغلان، طی یک نشست تاریخی و فوق‌العاده، تصمیم به مقاومت علیه گروه اشغالگر القاعده و طالبان اتخاذ نمودند. دیری نپایید که آنان اعتماد مردم را به دست آورده و با استحکام مقاومت در ولایات شمال‌شرق کشور، توانستند علاوه بر بدخشان و پنجشیر، جلو پیشروی جنگ‌جویان گروه طالبان را در ولایات پروان، کاپیسا، بغلان، قندوز و تخار بگیرند.

این درحالی است که بقیه ولایات کشور به طور کامل در تصرف طالبان بود و جبهه مقاومت به رهبری شهید احمدشاه مسعود، در ولایات شمال کابل و شمال‌شرق کشور، سخت تحت فشار قرار داشت.

در این زمان استاد حاجی محمد محقق که موقتاً در خارج به سر می‌برد، به کشور عودت نموده، نزد احمدشاه مسعود در ولایت تخار آمد. آقای محقق به جای این‌که در تخار یا بدخشان که دور از دسترس طالبان بود، ماندگار شود، به احمدشاه مسعود پیشنهاد نمود که می‌خواهد در ولسوالی بلخاب و ولایت سرپل به جمع یک‌تعداد افرادش که در محاصره طالبان قرار گرفته است، ملحق شود. و از او در امر انتقالش تقاضای همکاری نمود. شهید احمدشاه مسعود در اثر اصرار بیش حد آقای محقق، به یک بال هلیکوپتر وظیفه سپرد که او را به بلخاب برساند. بدین ترتیب، استاد حاجی محمد محقق، به تاریخ ۱۸ عقرب ۱۳۷۷، با دوازده تن از مجاهدین و همراهانش، به بلخاب مواصلت نمود. آقای محقق در بلخاب هدف چندین حمله گسترده طالبان قرار گرفت اما مقاومت نمود، تا این‌که دشمن از دستگیری او

عنوان قلب تپنده شمال کشور، توسط مقاومت‌گران جبهه دره صوف با همکاری مردم شهر، از اسارت گروه طالبان آزاد شد. - ۱۹ عقرب ۱۳۸۰، مردم ولایات فاریاب، سرپل و جوزجان، شهرهای میمنه، سرپل و شبرغان را از اشغال طالبان بیرون آوردند.

- ۲۰ عقرب ۱۳۸۰، شهرهای بامیان، قلعه نو و تالقان، مراکز ولایات بامیان، بادغیس و تخار، از تسلط طالبان آزاد شد.

- ۲۱ عقرب ۱۳۸۰، آزادی هرات و پلخمری.

- ۲۲ عقرب ۱۳۸۰، با ورود نیروهای جبهه مقاومت تحت فرماندهی مارشال محمد قسیم فهیم وزیر دفاع دولت وقت به شهر کابل، به‌رغم ممانعت امریکا از ورود مجاهدین به شهر، پایتخت کشور تحت کنترل دولت اسلامی به رهبری پروفیسور برهان‌الدین قرار گرفت. و بدین ترتیب رسماً به دوره سیاه طالبان، پایان داده شد.

- ۲۳ عقرب ۱۳۸۰، عقب‌نشینی طالبان از مراکز ولایات میدان وردک و لوگر.

- ۲۴ عقرب ۱۳۸۰، عقب‌نشینی طالبان از شهرهای غزنی، جلال‌آباد و خوست.

- ۲۵ عقرب ۱۳۸۰، عقب‌نشینی طالبان از مراکز ولایات زابل و ارزگان.

- ۲۶ عقرب ۱۳۸۰، عقب‌نشینی طالبان از مرکز ولایت هلمند.

- اوایل قوس ۱۳۸۰، ملا محمد عمر رهبر تحریک طالبان، ضمن این‌که قندهار را پایتخت امارت اسلامی اعلام نمود، شکست قریب‌الوقوع امریکا را به هوادارانش مژده داد.

- ۴ قوس ۱۳۸۰، تصفیه مرکز ولایت قندوز از وجود طالبان محاصره شده.

- ۴ قوس ۱۳۸۰، آغاز اجلاس «بن» برای افغانستان در کشور آلمان (۲).

- ۱۴ قوس ۱۳۸۰، پذیرش و امضای موافقت‌نامه بن برای تشکیل اداره مؤقت در افغانستان، از طرف هیأت افغانی متشکل از: نماینده‌گان جبهه مقاومت، گروه پشاور «نماینده‌گان مهاجرین مقیم پاکستان»، هیأت روم «نماینده‌گی ظاهرشاه و افغان‌های ساکن در غرب» و گروه قبرس «نماینده‌گان مهاجرین مقیم ایران» (۳).

- ۱۴ قوس ۱۳۸۰، عقب‌نشینی طالبان از مرکز ولایت قندهار.

- ۱ جدی ۱۳۸۰، پروفیسور برهان‌الدین ربانی رییس دولت اسلامی افغانستان، طی مراسمی که

در آن، اراکین دولت، رهبران جبهه مقاومت، نماینده سازمان ملل متحد و نماینده‌گان باصلاحیت کشورهای همسایه، امریکا و اروپا حضورداشتند، قدرت سیاسی کشور را به حامد کرزی رییس

اداره توافق شده در اجلاس بن، رسماً واگذار شد (۴).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع آن‌چه گفته آمدیم، به این واقعیت پی می‌بریم که قبل از ۱۸ عقرب ۱۳۸۰، افغانستان در وضعیت بد و ناامیدکننده قرار داشته ولی بعد از ۱۸ عقرب همین سال، وضعیت کشور به‌صورت شگفت‌آور بهبود یافته و به گونه باور نکردنی زمینه رشد و تکامل مساعد گردیده و زنجیر اسارت از دست و پای مردم باز شده است.

بنابراین با صراحت و قاطعیت می‌توان گفت که روز ۱۸ عقرب، سرنوشت‌سازترین و ارزشمندترین روز در تاریخ معاصر افغانستان بوده و شایسته آن است که درسالمنای کشور با خط زرین نوشته شود و به عنوان بزرگ‌ترین روز تاریخی، برجسته گردد.

اما متأسفانه در هیچ یک از سالنامه‌های نشر شده، چه دولتی و چه غیر دولتی، روز آزادی کشور از اسارت تروریسم بین‌المللی، مشخص نشده است.

وقتی می‌گوییم در دوره بعد از طالبان پیشرفت‌های زیادی صورت گرفته یا می‌گوییم در نظام فعلی زن و مرد از حقوق مساوی برخوردارند ولی در دوره طالبان زنان اجازه حضور در اجتماع را نداشتند؛ پس چرا نمی‌گوییم این دو دوره شدیداً متفاوت، در کدام روز از هم جدا شدند؛ درحالی‌که به تکرار می‌گوییم: دوره استعمار انگلیس از دوره استقلال افغانستان، در ۲۸ اسد ۱۲۹۸ مجزا گردیده، دوره اشغال افغانستان توسط شوروی سابق در ۲۶ دلو ۱۳۶۷ و رژیم کمونیستی افغانستان در ۸ ثور ۱۳۷۱، پایان یافته است.

از نظر این جانب، در کتمان روز پیروزی مقاومت ملی مردم افغانستان و شکست حاکمیت انحصاری طالبان، تعمد وجود دارد؛ زیرا کسانی در دستگاه دولت این افتخارات را از آن خود و سمت‌وسوی خود نمی‌دانند. بنابراین عقده‌مندانه یک حقیقت بزرگ را انکار می‌کنند. اما مایه نگرانی این است که صاحبان اصلی این پیروزی بزرگ و افتخارات عظیم، دستاورد سال‌ها تلاش، فداکاری و مبارزه خود و هم‌سنگران شهیدشان را که عبارت از شکستن طلسم استبداد و خلق یک روز تاریخی و سرنوشت‌ساز است، فراموش کرده‌اند!

مآخذ:

۱ - تقویم سال ۱۳۸۸ خورشیدی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان

۲ - رادیو بی‌بی‌سی و صدای امریکا در تاریخ وقوع رویدادها.

۳ - صفحه حقایق، نشریه دفتر نماینده‌گی سازمان ملل متحد در کابل (UNAMA)

۴ - رادیو و تلویزیون ملی افغانستان، اول جدی ۱۳۸۰ خورشیدی.

- ۱۸ عقرب ۱۳۸۰، شهر مزارشریف مرکز ولایت بلخ به

## آنگ سان سوچی برمی‌گردد



نتایج تازه از انتخابات میانمار نشان می‌دهد که اپوزیسیون کنترل بیشتر مناطق و همچنین تشکیل دولت آتی را به دست گرفته و همین امر اختیارات گسترده‌ای را برای «آنگ سان سوچی» و تغییر چشم‌انداز سیاسی میانمار به همراه دارد. به گزارش خبرگزاری رویترز، حزب حاکم میانمار که از خونتای سابق تشکیل شد و از سوی افسران نظامی بازنشسته رهبری می‌شود، روز دوشنبه به شکست در انتخابات اذعان کرد؛ این نقطه عطف مهمی در مسیر ناهموار میانمار برای عبور از دیکتاتوری به سمت دموکراسی محسوب می‌شود. نتایجی که کمیسیون انتخابات میانمار اعلام کرد، نشان می‌دهد که حزب اتحادیه همبستگی و توسعه نه تنها در انتخابات ضربه خورده بلکه متحمل شکست سنگینی شد. لیگ ملی برای دموکراسی متعلق به آنگ سان سوچی نیز گفته است که نتایج نشان می‌دهد که آنها بیش از دو سوم کرسی‌های مجلس سفلی پارلمان را بدست می‌گیرند و این میزان برای تشکیل اولین دولت منتخب دموکراتیک میانمار از اوایل دهه ۶۰ میلادی کافی خواهد بود.

کمیسیون انتخابات اعلام کرد، لیگ ملی برای دموکراسی (NLD) توانسته تا ظهر روز سه‌شنبه ۷۸ کرسی از مجموع ۸۸ کرسی اعلام‌شده برای مجلس سفلی ۴۴۰ کرسی را در دست بگیرد و در مقابل حزب حاکم تنها پنج کرسی گرفته است. بر اساس قانون اساسی که به دست خونتای سابق میانمار تدوین شده، یک چهارم کرسی‌ها (۲۵ درصد) غیر منتخب و متعلق به نظامیان است. نتایج رسمی نشان می‌دهد که انتخابات روز یکشنبه برای حزب سوچی با پیروزی چشمگیری در مجلس‌های منطقه‌ای همراه بود و آنها توانستند تاکنون ۹۷ کرسی از مجموع ۱۰۷ کرسی اعلام شده برای قانونگذاران محلی را در دست بگیرند و حزب حاکم (USDP) تنها سه کرسی بدست آورده است.

با وجود پیروزی حزب سوچی در انتخابات، ارتش همچنان قدرتی توانمند به حساب می‌آید. علاوه بر اینکه آنها یک سری از کرسی‌های پارلمان را از قبل برای خود تضمین کرده‌اند، رئیس کل قوا روسای سه وزارتخانه قدرتمند با بودجه بالا را که شامل وزارت کشور، دفاع و امنیت مرزی می‌شود، خودش نامزد می‌کند و همچنین قانون اساسی این حق را به آنها داده تا در شرایط خاص دولت را اداره کنند. گرچه ارتش میانمار نتایج انتخابات را پذیرفته است اما تحلیلگران معتقدند که یک دوره بی‌ثباتی احتمالاً بر میانمار چیره خواهد شد چراکه مشخص نیست سوچی چگونه می‌خواهد قدرت را با ژنرال‌ها به اشتراک بگذارد. واشنگتن

روز دوشنبه با استقبال از نتایج انتخابات میانمار، این پیروزی را به مردم این کشور تبریک گفت اما تاکید کرد که به دقت روند دموکراتیک میانمار را پیش از تسهیل تحریم‌های بیشتر نظارت می‌کند. دنیل راسل، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور شرق آسیا گفت که پس از پنجاه سال دیکتاتوری نظامی، روند دموکراتیک در برمه آغاز شده اما به گفته وی بخش دشواری در پیش رو باقی مانده است.

در همین حال یک گروه حقوق بشری مستقر در واشنگتن نسبت به وقوع تنش‌های قومی و مذهبی در میانمار هشدار داده است. این گروه موسوم به «اتحاد برای پایان نسل‌کشی» تاکید دارد که جامعه بین‌الملل به دقت شرایط در میانمار را که حدود ۵۰۰ هزار رای‌دهنده واجد شرایط از اقلیت مسلمان ۳/۱ میلیونی روینجا نتوانستند در رای‌گیری شرکت کنند، زیر نظر داشته باشند.

در بیانیه این گروه حقوق بشری آمده است: نمی‌توان فضای مسموم علیه مسلمانان و خصوصاً اقلیت روینجا را با برگزاری یک انتخابات زدود. در پی انتخابات ممکن است

بگیرد، آنگ سان سوچی با اطمینان از اینکه با پایان شمارش آرا مشخص خواهد شد که رهبری حزب اکثریت در پارلمان را در دست دارد، گفت «به عنوان رهبر حزب اکثریت، کسی را برای این سمت خواهم یافت.» وی تلویحاً گفته است که حتی بدون داشتن عنوان رسمی رئیس جمهوری، در اداره امور کشور نقشی اساسی ایفا خواهد کرد.

طبق قانون اساسی فعلی میانمار، رئیس جمهوری این کشور با رای یک «مجمع انتخاباتی» برگزیده می‌شود که دو سوم اعضای آن را نمایندگان پارلمان و یک سوم را ارتش تعیین می‌کنند. همچنین قانون اساسی فعلی تصریح کرده است که افرادی که اعضای درجه اول خانواده‌هایشان تابعیت خارجی دارند نمی‌توانند به ریاست جمهوری برسند. همسر مرحوم سوچی تابعیت خارجی داشته و پسران وی نیز شهروند خارجی هستند.

اصلاح بخش‌هایی از قانون اساسی کنونی که در سال ۲۰۰۸ تصویب شد، مستلزم کسب اکثریت سه چهارم اعضای پارلمان است و بخش‌های دیگری از آن هم تنها با برگزاری همه‌پرسی قابل تغییر است. در این قانون اساسی آمده است که یک چهارم اعضای پارلمان میانمار از میان نامزدهای مورد نظر ارتش انتخاب می‌شوند. در نتیجه، بعد به نظر می‌رسد که حزب لیگ ملی برای دموکراسی حتی با داشتن اکثریت قابل توجه پارلمانی بتواند بدون برخورداری از حمایت سایر احزاب، اصل مربوط به ممنوعیت تصدی سمت ریاست جمهوری توسط سوچی را تغییر دهد.

انتخابات کنونی آزادترین و منصفانه‌ترین انتخابات طی چند دهه اخیر توصیف شده و به تمامی احزاب اجازه شرکت در مبارزات انتخاباتی داده شد و دولت میانمار از ناظران بین‌المللی دعوت کرد بر روند برگزاری انتخابات نظارت کنند. ناظران بین‌المللی روند برگزاری انتخابات را کمابیش رضایتبخش دانسته‌اند. در انتخابات قبلی، تنها احزاب و نامزدهایی حق شرکت داشتند که صلاحیت آنها مورد تایید نهادهای منصوب از طرف ارتش قرار می‌گرفت.

در سال ۱۹۹۰ نیز انتخابات پارلمانی در فضایی تا حدی آزاد برگزار شد و حزب لیگ ملی برای دموکراسی توانست به پیروزی چشمگیری دست یابد اما ارتش، با اعلام اینکه تفویض قدرت به این حزب با منافع و امنیت ملی در تضاد است، نتیجه انتخابات را ابطال کرد و آنگ سان سوچی سال‌ها در حبس خانگی بود و تنها کوتاه مدتی پس از تصمیم ارتش به آغاز روند اصلاحات سیاسی، آزادی خود را به دست آورد.

## هند به دنبال خرید پهپادهای پیشرفته از امریکا

هند قصد دارد یکی از اولین کشورهای آسیای جنوبی باشد که پهپادهای مسلح «پردیتور اونجر» را از امریکا می‌خرد. به گزارش پایگاه شبکه بلومبرگ، در صورتی که هند به این پهپادها دست پیدا کند می‌تواند هر نقطه از خاک پاکستان را با آنها هدف قرار دهد.

این پهپادهای تولید شده توسط شرکت «جنرال اتومیکس ایرونوتیکال سیستمز» از جمله هواپیماهای کشنده سریع در جهان هستند. هند با این پهپادها می‌تواند شبه نظامیان را در سراسر پاکستان هدف قرار دهد و در عین حال از آنها به عنوان یک گزینه راهبردی در مناقشه های مرزی با چین استفاده کند. در صورت تصویب فروش این پهپادها توسط امریکا به هند این نشانه دیگری از گسترش روابط دفاعی میان واشنگتن و دهلی نو خواهد بود. هند دومین خریدار بزرگ سلاح های امریکا در سال ۲۰۱۴ بوده در حالی که پنج سال قبل از آن عملاً هیچ سلاحی از امریکا نمی‌خرید. پهپادهای پردیتور اونجر همچنین می‌توانند تغییری کوچک اما مهم در توازن راهبردی در منطقه ای که در آن سه قدرت هسته‌ای و ۴۰ درصد جمعیت جهان هستند



بافشاری وزرای داخله اتحادیه اروپا بر تسریع روند حل و فصل بحران مهاجرت

وزرای داخله اتحادیه اروپا قول دادند که سرعت برآورده شدن وعده‌هایشان در مورد مقابله با بحران مهاجرت را تسریع بخشند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این در حالی است که لوکزامبورگ که ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد خواستار جلوگیری از وقوع فاجعه انسانی همزمان با نزدیک شدن به فصل زمستان شد.

این نشست وزرای کشور اتحادیه اروپا پیش از نشست ویژه آفریقا-اروپا در کشور مالت برگزار شد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سوی کمیسیون اروپا تحت فشار هستند که به وعده‌هایشان برای اتخاذ تدابیر سختگیرانه در مرزهای خارجی عمل نکرده‌اند. اما وزرای داخله اتحادیه اروپا قول دادند که به وعده‌هایی که داده‌اند به سرعت عمل کنند. اتحادیه اروپا در حال حاضر با بدترین بحران مهاجرت از زمان جنگ جهانی دوم مواجه است. رهبران اروپایی نیز همچنان در مورد نحوه رسیدگی به این بحران دچار اختلاف هستند.

## تأکید مقام چینی بر الگوبرداری از توسعه

### مجموعه صنعتی-نظامی امریکا

شو با استناد به اقدامات شانگ یانگ، فیلسوف شناخته شده چینی در تاریخ باستان که به ایجاد یک نیروی نظامی قدرتمند در یکی از اولین دولت‌ها در کشور چین کمک کرد، گفت، یک کشور نمی‌تواند بدون نیروهای مسلح شایسته ثروتمند شود. وی اظهار کرد: امنیت پیش شرط توسعه است و توسعه نیز ماده اساسی امنیت است. بسیاری از کشورها تاکنون منابع غیرنظامی را با توسعه نظامی در هم تنیده‌اند و این نیز برای چین یک انتخاب ضروری است. این مقام چین نوشت: پروژه منهن و برنامه آپولو در امریکا و برخی برنامه‌های بزرگ چین مثل فضایی‌های شژو و کاوشگر ماه چانگ از جمله مثال‌های خوب در این زمینه هستند.

به گفته این مقام چینی، این دست اقدامات در عین حال فرصت‌های جدیدی برای توسعه اقتصادی در چین ایجاد می‌کند. وی تاکید کرد: این رویکرد فضاهای جدیدی برای توسعه می‌آفریند و «کشتی کشور چین» را به خوبی از میان امواج هدایت می‌کند. با این حال به گفته شو، در این دورنمای پیش روی چین مشکلات زیادی مطرح هستند نظیر اتلاف منابع و تکرار غیر ضروری پروژه‌ها.

یک مقام بلندپایه چین تاکید کرد، چین باید مثل امریکا به دنبال تمرکز بیشتر بر توسعه یک مجموعه صنعتی-نظامی باشد تا به یک ارتش قدرتمند متناسب با جایگاه پکن در جهان دست پیدا کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، در یک مجموعه تالیفات که در روزهای اخیر از سوی مقام‌های ارشد چین درباره سیزدهمین طرح پنج ساله توسعه این کشور انتشار یافته، شو کیلیانگ، معاون رئیس کمیسیون مرکزی نظامی قدرتمند چین اظهار کرد، پکن نیازمند امنیت است تا بتواند اقتصادش را توسعه دهد.

